

زمان به عنوان شاخص فقر: مطالعه فقر زمانی جمعیت شهری در ایران

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2025.62809.1820 شناسه دیجیتال:

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

فاطمه ترابی^{۱*}
کاظم سراونی^۲
حسین خردمند سعدی^۳
فاطمه سادات خداپرست^۴

چکیده

فقر زمانی علیرغم اهمیت ذاتی و پیامدهایی که برای سلامت و بهره‌وری افراد و توسعه اقتصادی-اجتماعی جامعه دارد، در مطالعات داخل کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است و شناختی در این زمینه در سطح ملی وجود ندارد. در این مطالعه، با بهره‌گیری از داده‌های سه دوره پیمایش گذران وقت مناطق شهری ایران (سال‌های ۸۸-۱۳۸۷، ۹۴-۱۳۹۳ و ۹۹-۱۳۹۸)، شاخص فقر فاستر گریب و توربک (FGT) بر مبنای مقدار زمان اختصاص داده شده به فعالیت‌های شغلی (دستمزدی) و خانگی (غیردستمزدی) محاسبه شد تا به این سؤالات پاسخ داده شود: شیوع فقر زمانی چقدر است؟ شیوع این پدیده تا چه حد در طول زمان تغییر کرده است؟ تا چه حد تفاوت‌های جنسیتی و سنی در این پدیده مشاهده می‌شود؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن بود که فقر زمانی در مناطق شهری ایران پدیده‌ای عمدتاً مردانه است که این یافته بر اساس مطالعات پیشین با وضعیت سایر جوامع همخوانی ندارد. همچنین بیشترین شیوع و شکاف فقر زمانی در سنین میانسالی (۵۹-۴۰ سال) مشاهده شد که همسو با نتایج تحقیقات گذشته است. مقادیر ناچیز شاخص مجذور شکاف فقر زمانی بیانگر شیوع بسیار کم فقر زمانی شدید در مناطق شهری کشور بود. شیوع بیشتر فقر زمانی شدید بین مردان نشان می‌دهد که به طور کلی فعالیت‌های شغلی نسبت به فعالیت‌های خانگی تأثیر بیشتری در تجربه فقر زمانی دارد. مطالعات آینده می‌توانند با بررسی رابطه فقر اقتصادی و فقر زمانی، تبیین فقر زمانی با استفاده از رویکرد تلاقی و توجه به چندبعدی بودن تعیین‌کننده‌های آن و مقایسه الگوها و تعیین‌کننده‌های این پدیده در مناطق شهری و روستایی به درک عمیق‌تر پدیده فقر و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد برای محو آن کمک کنند.

واژگان کلیدی: فقر زمانی، شاخص فقر، گذران وقت، جمعیت شهری، ایران.

۱. دانشیار، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل: fatemeh_torabi@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکترا، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ایمیل: kazem.saravani@ut.ac.ir
۳. دانشجوی دکترا، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ایمیل: kheradmand.sadi@ut.ac.ir
۴. دانشجوی دکترا، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، ایمیل: khodaparast.f@ut.ac.ir

۱. مقدمه و طرح مسئله

مفهوم فقر و سنجش آن یکی از موضوعات اساسی در تاریخچه تحقیقات اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌رود. در سال‌های اخیر، شاهد یک چرخش نظری و روش‌شناختی در ادبیات جهانی این حوزه هستیم که بر لزوم نگاه چندبعدی و فرادآمدی به مفاهیم فقر و رفاه تأکید می‌کند (کلاسنس و گانتر^۱، ۲۰۰۶). با مطرح شدن آرای آمارتیا سن^۲ و شکل‌گیری گفتمان فقر قابلیت^۳، مفهوم سنتی فقر، که بر سنج‌های درآمد و مصرف خانوارها متکی بود، مورد نقد قرار گرفت. براساس دیدگاه سن (۱۹۹۹)، معیارهای پولی فقر، ابعاد مهمی از آزادی‌ها و اختیارات فردی را نادیده می‌گیرد. بنابراین، در مفهوم‌بندی‌های جدید فقر، در کنار عامل کمبود درآمد، باید بر محرومیت از قابلیت‌ها و آزادی‌هایی که می‌تواند به توسعه شخصی افراد کمک کند، تأکید شود.

زمان یکی از مؤلفه‌هایی است که به طور بالقوه می‌تواند در پارادایم جدید فقر سهیم باشد. همان‌طور که می‌دانیم، زمان یک منبع محدود است و افراد برای به حداکثر رساندن سطح رفاه و مطلوبیت مورد نظرشان، زمان در اختیار خود را به وظایف و فعالیت‌های مختلفی در شبانه‌روز اختصاص می‌دهند. در چنین دیدگاهی، میزان آسیب‌پذیری یک فرد ناشی از پاسخ‌های ناهمگون وی به فشارهای شغلی و تنگناهای زمانی است که رفاه فردی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بنوین و همکاران^۴، ۲۰۱۶). گودین^۵ و همکاران (۲۰۰۸) در کتاب معروف خود با معرفی مفهوم «زمان در اختیار»، از آن به عنوان یک شاخص جدید برای سنجش آزادی نام می‌برند و معتقدند داشتن استقلال زمانی^۶ علاوه بر این که افراد را شادتر، راضی‌تر و کمتر دچار افسردگی می‌کند، بر سلامت جسمانی و اجتماعی آن‌ها نیز اثرات مثبتی برجای می‌گذارد. در همین راستا اخیراً از اهمیت اقتصاد گذران وقت^۸ و مفهوم فقر زمانی^۹ به عنوان یک سنج‌ مهم و کاربردی در تحلیل‌های فقر چندبعدی نام برده شده است (همرمش و فان^{۱۰}، ۲۰۲۱؛ وگا راپن و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۱؛ آنتونوپولوس^{۱۲}، ۲۰۰۵).

ارائه تعریف عمومی از فقر زمانی کار دشواری نیست و به‌طور کلی به شرایطی اطلاق می‌شود که در آن افراد پس از در نظرگرفتن زمان صرف‌شده برای کار (چه کار دستمزدی و چه

-
1. Klasen & Günther
 2. Sen
 3. Capability Poverty
 4. Benven
 5. Goodin
 6. Discretionary Time
 7. Temporal autonomy
 8. The economics of time use
 9. Time Poverty
 10. Hamermesh & Pfann
 11. Vega-Rapun et al
 12. Antonopoulos

کار غیر دستمزدی مانند کار خانگی و مراقبت)، زمان کافی برای استراحت و فراغت ندارند (برداسی و وودن^۱، ۲۰۰۶: ۷۷). البته این مفهوم نخستین بار توسط ویکری^۲ (۱۹۷۷) برای اشاره به وضعیتی مطرح شد که: در آن افراد زمان کافی برای رهایی از فقر درآمدی نداشتند. اما امروزه دامنه مطالعات مربوط به فقر زمانی گسترش یافته و محققان نه تنها به بررسی رابطه بین فقر درآمدی و فقر زمانی پرداخته‌اند، بلکه از آن به عنوان یکی از جنبه‌های ناملموس و کلیدی در تعیین سطح کیفیت زندگی افراد و دستیابی به توسعه نام برده‌اند (رایینز^۳، ۲۰۰۵؛ گیروژ^۴، ۲۰۲۰). (۲۰۲۰). به باور بورچارد^۵ (۲۰۱۰)، گنجاندن عامل زمان در میان شاخص‌های فقر راهی است برای اذعان به این که خانوارها و افراد برای دستیابی به حداقل سطح رفاه، به چیزی بیش از پول نیاز دارند که نه تنها بر وضعیت فعلی آنها تأثیر می‌گذارد، بلکه زندگی آینده آن‌ها را نیز تعیین می‌کند.

یکی دیگر از دلایلی که بر اهمیت توجه به موضوع فقر زمانی افزوده است، نادیده انگاشته شدن کارهای بازتولیدی^۶ در سنجش فقر درآمدی است (جانسون - لاتام^۷، ۲۰۰۴؛ نوح و کیم^۸، ۲۰۱۵). منظور از کارهای بازتولیدی فعالیت‌هایی مانند پخت‌وپز، نظافت، مراقبت از کودکان و سایر اعضای خانوار است که به طور کلی با نیروی کار غیر دستمزدی مرتبط می‌باشد و عمدتاً توسط زنان صورت می‌گیرد (دافی^۹، ۲۰۱۳). آنتونوپولوس^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۲) معتقدند در محاسبات رسمی فقر، ارتباط بین تولید خانوار و استانداردهای زندگی تا حد زیادی نادیده گرفته شده است؛ برخی از افراد و خانوارها با محدودیت‌های زمانی مواجه هستند که آن‌ها را از انجام کارهای اساسی خانه مانند پخت‌وپز، نظافت و مراقبت از کودکان منع می‌کند. از آنجایی که امکان بدست‌آوردن جایگزین برای چنین اموری (مانند استخدام نظافت‌چی یا مراقب کودک) برای بسیاری وجود ندارد، برآوردهای رسمی فقر، میزان کامل محرومیت را نشان نمی‌دهد و در نتیجه جانب‌دارانه و گمراه‌کننده خواهند بود (همان: ۵).

باتوجه به اینکه فقر یک مسئله چندبعدی است، فقر زنان صرفاً بر ساخته از درآمد پایین نبوده و مشکلات دیگری مانند بار مضاعف ناشی از کار خانگی و ایفای نقش‌های چندگانه، کمبود زمان، وابستگی، عدم استقلال و نبود قدرت را نیز در بر می‌گیرد (چانت^{۱۱}، ۲۰۱۰). بنابراین

1. Bardasi & Wodon
 2. Vickery
 3. Robeyns
 4. Giurge
 5. Burchardt
 6. Reproductive labour
 7. Johnsson-Latham
 8. Noh & Kim
 9. Duffy
 10. Antonopoulos
 11. Chant

تلاش‌های فمینیستی در حوزه مطالعات گذران وقت نیز در پشتیبانی از چارچوب‌های نظری و تقویت دیدگاه‌های جنسیتی در این زمینه مؤثر بوده است؛ چنانچه بسیاری وارد شدن بُعد زمان به سنجش فقر را یکی از پیشرفت‌های قابل ملاحظه در تحلیل جنسیتی فقر به‌شمار می‌آورند (لاوسون^۱، ۲۰۰۷؛ بلکدن و وودن^۲، ۲۰۰۶). این مسئله به‌خصوص در کشورهای کمتر توسعه‌یافته یافته و در حال توسعه نظیر ایران که از یک شکاف جنسیتی قابل توجه در اختصاص زمان به فعالیت‌های دستمزدی و غیر دستمزدی رنج می‌برند، حائز اهمیت است. آمارها نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از زمان در اختیار شهروندان زن ایرانی به‌جای سرمایه‌گذاری در امور شغلی، صرف فعالیت‌های بدون مزد مرتبط با خانه و خانوار می‌شود؛ به‌طوری‌که میزان مشارکت آنان در فعالیت‌های مربوط به نگهداری خانه، پنج برابر بیشتر از مردان بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹؛ ترابی، ۱۳۹۹) و ارائه مراقبت‌های غیر دستمزدی از کودکان و بزرگسالان وابسته حاضر در خانوار نیز عمدتاً توسط زنان صورت می‌گیرد (ترابی و سراونی، ۱۴۰۲ الف).

علاوه بر موارد فوق، به‌عقله سیاستی ایجادشده در این حوزه نیز باید اشاره کرد. زمان، توسط سیاست‌گذاران و متخصصان توسعه به‌عنوان یک منبع مهم و پویا شناسایی شده است که بر رفاه و بهره‌وری افراد تأثیرات قابل توجهی برجای می‌گذارد (الوویو^۳ و همکاران، ۲۰۲۲: ۱۱۱۳). یافته‌ها نشان داده است زمان صرف‌شده برای اوقات فراغت و استراحت اثرات مثبتی بر سطح بهره‌وری و در نتیجه، جریان درآمد و رفاه جامعه دارد (نجم‌الثاقب و عارف^۴، ۲۰۱۲). این موضوع همچنین توجه سازمان‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است؛ به‌طور مثال، سازمان بین‌المللی کار^۵ در نتیجه نگرانی‌های مربوط به الگوهای گذران وقت در کشورهای مختلف و به‌منظور منظور تضمین سلامت کارگران، استانداردهای بین‌المللی‌ای را بر اساس این ایده که ساعات کار طولانی یک خطر جدی برای سلامتی کارگران و خانواده‌هایشان است، ایجاد کرده است (نینزو^۶، ۲۰۱۷).

ادبیات اقتصادی و جامعه‌شناختی در سطح بین‌المللی به مسئله فقر زمانی و تعیین‌کننده‌های آن در سال‌های اخیر پرداخته است. به‌طور کلی در این مطالعات ارتباط سه رژیم جنسیتی، خانواری و رفاهی با فقر زمانی مورد بررسی قرار گرفته است (گودن^۷ و همکاران، ۲۰۰۸). که البته با یکدیگر در تعامل هستند. به‌عنوان مثال رویکردهای جامعه‌شناختی، نابرابری‌های جنسیتی در تجربه فقر زمانی را ناشی از تقسیم جنسیتی کار و نقش‌های متفاوت مردان و زنان در جامعه

1. Lawson
2. Blackden & Wodon
3. Olawuyi
4. Najam-us-Saqib & Arif
5. International Labour Organization
6. Nyanzu
7. Goodin

می‌داند و معتقد است عواملی چون ساختار خانوار و خانواده (Harvey, & Mukhopadhyay, 2007; Zilanawala, 2016)، طبقه اجتماعی (Chatzitheochari & Arber) و شرایط بازار کار (Qi & Dong, 2018) هر یک به نوعی می‌تواند در تشدید فقر زمانی مؤثر باشد که در بخش مرور پیشینه با تفصیل بررسی خواهد شد.

از حیث روش‌شناختی، بخش قابل توجهی از این مطالعات، شاخص‌های سنتی فقر درآمدی و مصرفی به‌ویژه شاخص ترکیبی فاستر^۱، گریر^۲ و توربک^۳ (FGT) را در ارتباط با موضوع فقر زمانی به کار گرفته‌اند (Ribeiro & Marinho, 2012; Vega-Rapun, 2021). این امر به آن دلیل بوده که در بسیاری از مناطق مورد مطالعه، داده‌های کافی برای تحلیل همزمان فقر درآمدی و فقر زمانی وجود نداشته است (Ranatunga & Dunusinghe, 2021). اگرچه مرور اجمالی یافته‌ها نشان می‌دهد سطح فقر زمانی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است، اما اکثریت قریب به اتفاق مطالعات، شیوع بیشتر آن در میان زنان را گزارش کرده‌اند؛ به عنوان مثال در غنا شیوع فقر زمانی در میان زنان ۲۴/۱ درصد و در میان مردان ۹/۵ درصد بوده است (برداسی و وودن، ۲۰۱۰). این نسبت در کشور گواتمالا ۳۳ به ۱۵ (Gammage, 2010)؛ در پاکستان ۱۴/۷ به ۱۳/۲ (نجم القاقب و عارف، ۲۰۱۲)؛ در چین ۳۷/۶ به ۱۸/۹ (کی و دانگ^۴، ۲۰۱۸) و در مناطق روستایی موزامبیک حدود ۵۰ به ۱۰ بوده است (آرورا^۵، ۲۰۱۵).

در ایران، آستانه‌های رسمی خط فقر مطلق معمولاً براساس تعریف سید حداقل نیازهای اساسی (هزینه زندگی) محاسبه می‌شود و پیمایش هزینه و درآمد خانوار اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی در این زمینه است که به‌طور سالیانه بروزرسانی می‌شود (زمان‌زاده و شاه‌مرادی، ۱۳۹۰؛ نگهداری و همکاران، ۱۳۹۶). اگرچه از این‌گونه روش‌ها در ارتباط با موضوعات مشابه مانند فقر غذایی نیز استفاده شده است (نصرت‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴)، اما خلأ مربوط به محاسبه کسری‌های زمانی در ایران حتی در رویکردهای چندبعدی به فقر نیز مشاهده می‌شود؛ پژوهش‌های متعددی شاخص فقر چندبعدی^۶ کشور را در سطح جمعیت و خانوار مورد مطالعه قرار داده‌اند (برای مثال ربیعی و کفایی، ۱۴۰۰؛ جعفری و همکاران، ۱۴۰۰؛ دادگر و همکاران، ۱۳۹۹؛ سالم و همکاران، ۱۳۹۷). این مطالعات عموماً با روش معروف آلکایر^۷ و فاستر (AF)، به سنجش ابعادی از فقر مانند آموزش، سلامت، اشتغال، مسکن و استانداردهای زندگی پرداخته و نشان داده‌اند که نرخ فقر چندبعدی خانوارهای ایرانی در دهه اخیر به ویژه در مناطق روستایی رو

1. Foster
 2. Greer
 3. Thorbecke
 4. Qi & Dong
 5. Arora
 6. The Multidimensional index of Poverty
 7. Alkire

به کاهش بوده است. برخی از این مطالعات همچنین تفاوت‌های نرخ فقر چندبعدی را برحسب زیرگروه‌های جمعیتی و خانواری (مانند جنسیت و نوع خانوار) به تصویر کشیده‌اند (فطرس و قدسی، ۱۳۹۷؛ سالم و یارمحمدی، ۱۳۹۷). با این وجود، در هیچ یک از منابع داخلی به استثنای مطالعه ترابی^۱ و همکاران (۲۰۲۵)، مطالعه‌ای که با هدف بررسی بُعد زمانی فقر چه در سطح محلی و استانی و چه در سطح ملی صورت گرفته باشد، به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که یکی از چالش‌های اساسی خانوارهای فقیر، به مسئله کسری‌های زمانی برمی‌گردد که باعث می‌شود افراد و خانوارهای آسیب‌پذیرتر، نتوانند کمبود زمانی خود را با کالاها و خدمات خریداری شده از بازار جایگزین کنند (زکاریاس^۲، ۲۰۱۴: ب: ۳).

در مطالعه ترابی و همکاران (۲۰۲۵)، فقر زمانی با استفاده از رویکرد زمان در اختیار یا زمان باقی‌مانده در یک مقطع زمانی (۱۳۹۸-۱۳۹۹) اندازه‌گیری شده است. بر اساس یافته‌های این مقاله، ۱۶.۴۴٪ ساکنان مناطق شهری ایران که در دامنه سنی ۱۵-۶۴ قرار داشتند، دچار فقر زمانی بودند و این در حالی است که برخلاف تجربه بیشتر کشورهای جهان، مردان بیش از زنان از نظر زمانی فقیر هستند (۲۱.۴۵٪ در مقابل ۱۱.۵۹٪). در این مقاله، به منظور تکمیل یافته‌های پیشین، تلاش شده است تا با یک رویکرد متفاوت و کاربست شاخص‌های فقر درآمدی، تفاوت‌های جنسیتی مربوط به پدیده فقر زمانی در طول یک دوره ۱۲ ساله بررسی شود. بنابراین علاوه بر شمول زمانی گسترده‌تر، یافته‌های این مطالعه می‌تواند در مقایسه نتایج دو رویکرد روش‌شناختی مطرح در این حوزه مثمر ثمر واقع شود.

بر اساس اطلاعات موجود، تا کنون پیمایشی که از طریق آن بتوان ارتباط فقر زمانی و فقر درآمدی-مصرفی افراد را در ایران مورد ارزیابی قرار داد، اجرا نشده و تنها اطلاعات موجود برای سنجش فقر زمانی در سطح ملی، داده‌های پیمایش گذران وقت است که در سه مقطع زمانی (۱۳۸۸-۱۳۸۷، ۱۳۹۴-۱۳۹۳ و ۱۳۹۹-۱۳۹۸) و در مناطق شهری کشور انجام شده است. تغییرات احتمالی این شاخص در طول این دوره ۱۲ ساله که با آغاز رفع تحریم‌های اقتصادی در نتیجه توافق برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در سال ۱۳۹۴ و توقف آن پس از خروج ایالات متحده از این توافق در سال ۱۳۹۷ همزمان است، می‌تواند افق‌های جدیدی در مورد اثرات دوره‌ای کلان بر شیوع فقر زمانی در ایران ارائه کند. نوسانات شاخص تورم سالانه به عنوان یکی از متغیرهای نیابتی^۳ وضعیت اقتصادی نیز از سقوط این شاخص به کمتر از ۱۰٪ در اواسط دهه ۱۳۹۰ حکایت دارد که از اواخر دهه ۱۳۶۰ بی‌سابقه بوده است (بانک جهانی، ۲۰۲۴). شناخت روند تغییرات فقر زمانی در مطالعات خارجی نیز کمتر مورد توجه بوده است.

1. Torabi
2. Zacharias
3. Proxy Variable

پژوهش حاضر در صدد است با بهره‌گیری از اطلاعات موجود در پیمایش‌های گذران وقت متوالی، به این سؤالات پاسخ دهد: شیوع فقر زمانی چقدر است؟ شیوع این پدیده تا چه حد در طول زمان تغییر کرده است؟ چه تفاوت‌های جنسی و سنی در این پدیده مشاهده می‌شود؟ این مطالعه در بستر ایران از چند جهت دارای مزیت است؛ نخست آنکه شناخت بیشتری در مورد ادبیات مفهومی و تجربی پیرامون موضوع فقر زمانی فراهم خواهد کرد؛ دوم آنکه رویکرد اکتشافی این پژوهش به مخاطبان اجازه می‌دهد تا به شناخت اولیه در مورد میزان شیوع و مسئله‌مند بودن فقر زمانی در جامعه ایران دست پیدا کنند؛ سوم و از همه مهم‌تر، این مطالعه می‌تواند بستری را برای پژوهشگران و علاقه‌مندان این حوزه فراهم آورد تا به تعمیق و گسترش دانش موجود کمک کنند.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش، ابتدا گریزی به تاریخچه مفهومی فقر زمانی زده و تلاش‌های فنی و نظری که در جهت اندازه‌گیری این مفهوم و ورود آن به ادبیات پژوهشی حوزه رفاه و نابرابری اجتماعی صورت گرفته را بررسی خواهیم کرد. سپس به مرور مهم‌ترین یافته‌های تجربی مطالعات پیشین در زمینه سنجش فقر زمانی و عوامل مرتبط با آن در جوامع مختلف خواهیم پرداخت.

۲-۱. مرور مفهومی

در دهه‌های گذشته موضوعاتی چون گذران وقت و کمبود زمان، توجه محققان، سیاست‌گذاران و عموم مردم را به خود جلب کرده است؛ زیرا مانند درآمد، منبعی اساسی برای رهایی از فقر و ایجاد رفاه است. در واقع، توسعه مفهوم فقر زمانی با ادغام ایده‌های عدالت، انصاف، توزیع و آزادی در خانوار همراه بوده است؛ اینها همه مفاهیمی هستند که می‌توانند به تبیین بخشی از تخصیص زمان به فعالیت‌های با ارزش افراد کمک کنند (بنوین، ۲۰۱۶: ۱۲۰).

علاقه به این موضوع از زوایای مختلفی نشئت می‌گیرد. صرف نظر از ارائه اصطلاحات متنوعی مانند فشار زمانی، محدودیت‌های زمانی، نابرابری اوقات فراغت و ... این محققان معمولاً کمبودهای ذهنی و عینی زمان و اثرات ناشی از آن را بر رفاه اقتصادی، روانی، اجتماعی و جسمانی مطالعه می‌کنند (ویلیامز و همکاران^۱، ۲۰۱۶). بنابراین در یک دسته‌بندی کلان می‌توان مفهوم‌سازی‌های مرتبط با این موضوعات را به دو دسته ذهنی^۲ و عینی^۳ تقسیم کرد. بر خلاف معیارهای ذهنی، که مبتنی بر ارزیابی شخصی از مقدار زمان مورد نیاز هستند و ممکن است از

1. Williams et al

2. Subjective

3. Objective

فردی به فرد دیگر متفاوت باشند، اندازه‌گیری‌های عینی بر اساس استانداردهای تنظیم فعالیت‌های روزانه انسان تعیین می‌شوند و برای همه یکسان خواهند بود (وگاراپون و همکاران، ۲۰۲۱).

ناگفته نماند بسیاری از رویکردهای ارائه‌شده در این حوزه را می‌توان بازتابی از نظریه معروف تخصیص زمان بکر^۱ (۱۹۶۵) دانست؛ بر اساس مدل اقتصادی بکر، نحوه تخصیص زمان پیامد مستقیمی برای رفاه فردی و خانواری دارد، زیرا اختصاص زمان به یک فعالیت، هزینه فرصت ناشی از عدم مشارکت در فعالیت‌های دیگر را به همراه خواهد داشت. بنابراین مضیقه‌های زمانی هنگامی ایجاد می‌شوند که تکمیل یک مجموعه از فعالیت‌های مورد نیاز یا مطلوب (مثلاً تولید درآمد) مانع درگیر شدن در مجموعه دیگری از فعالیت‌های مهم (مثلاً مراقبت از کودک) می‌شود. نظریه بکر را می‌توان یکی از کارهای مهم در حوزه اقتصاد رفتاری به شمار آورد، اما با این وجود مدل ارائه‌شده توسط وی به‌طور خاص بر مفهوم فقر زمانی و ارائه سنجه جدیدی از فقر متکی نبود. در واقع این کار یک دهه بعد توسط ویکری (۱۹۷۷) دنبال شد.

با نگاهی تاریخی، مقاله ویکری احتمالاً نخستین مفهوم‌سازی از فقر زمانی در مطالعات اقتصادی است (بردسی و وودن، ۲۰۱۰: ۴۷). او در این مطالعه فقر را برحسب ورودی‌های پولی و زمانی مفهوم‌سازی می‌کند و به استدلال وی، استانداردهای رسمی فقر، نیازهای خانوار را به درستی اندازه‌گیری نمی‌کند، زیرا الگوی مصرفی گروه‌های غیر فقیر، به‌طور همزمان مستلزم درآمد و کار غیر دستمزدی است (ویکری^۲، ۱۹۷۷). بنابراین، سهم اصلی وی تعریف سنجه دویعدی رفاه بود که در آن خانوارها برای حفظ دستیابی به حداقل سطح مصرف (رفاه) باید ترکیب خاصی از پول و زمان را در اختیار داشته باشند.

کار برجسته ویکری در ایالات متحده تا دو دهه بعد تقریباً به عنوان تنها مرجع مفهوم‌سازی فقر زمانی شمرده می‌شد^۳. هرچند در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم علاقه به تحلیل اقتصادی گذارن وقت شدت یافت (برای مثال، همرمش و فان، ۲۰۰۵)، اما به‌طور خاص معطوف به توسعه مفهوم فقر زمانی نبود. این علاقه در جوامع توسعه‌یافته‌تر در حوزه‌هایی مثل حمل‌ونقل (زانگ و همکاران، ۲۰۰۵) و مالیات (آپس و رییز^۴، ۲۰۰۴) متبلور شد و در کشورهای درحال توسعه، با توجه به دسترسی محدود به خدمات زیرساختی اساسی، در ارتباط با توانایی خانوارها در افزایش عرضه نیروی کار مورد بحث قرار گرفت (نیومن، ۲۰۰۲). رویکردهای جامعه‌شناختی نیز در این بین سعی کردند کمبودهای زمانی را به عنوان یک نابرابری اجتماعی نوظهور متأثر از روابط متقابل کار و خانواده درک کنند (اپستین و کالبرگ^۵، ۲۰۰۴).

1. Becker

2. Vickery

۳. تنها در یک مقاله (Douthitt, 2000) مدل ویکری با داده‌های جدیدتر پیمایش گذران وقت آمریکا بروزسانی شده است.

4. Apps & Rees

5. Epstein & Kalleberg

به طوری که اکثر این مطالعات بر تعادل کار و خانواده یا به عبارتی کار دستمزدی و غیر دستمزدی در میان زوج‌های شاغل تأکید داشتند (Jacobs & Gerson 2001; Bianchi et al, 2000; Sayer, 2005).

از نظر اقتصاددانان ارتباط فقر زمانی با سایر ابعاد رفاه مانند فقر مصرفی یا درآمدی، اهمیت این مفهوم را بیشتر آشکار می‌کند. امروزه مدل‌سازی‌های همزمان درآمد (یا مصرف) با عامل زمان، همچنان تا حد زیادی بر مدل ویکری استوارند. با این وجود برخی از روش‌های معرفی شده، مانند سنجه فقر زمانی و مصرفی مؤسسه یوی^۱ سعی کرده‌اند مدل کلاسیک وی را توسعه دهند. این مدل هر دو بُعد هزینه‌های مصرف و زمان مورد نیاز در تولیدات خانواری را برای دستیابی به حداقل استاندارد زندگی در نظر می‌گیرد و تفاوت اصلی آن با کار ویکری در این است که به نابرابری‌های درون خانوار در تخصیص زمان نیز توجه دارد و بر مدل استاندارد نئوکلاسیک تخصیص زمان تکیه نمی‌کند (زاکارایس و همکاران، ۲۰۱۲: ۳۷). مطالعاتی در کره جنوبی (کیم و همکاران، ۲۰۱۴) و ترکیه (زاکارایس و همکاران، ۲۰۱۴ الف). با این روش توانسته‌اند فقر درآمدی و زمانی خانوارهای شهری و روستایی را برحسب ویژگی‌های مختلف اعضای خانوار برآورد کنند.

با این حال این رابطه به دلیل عدم وجود داده‌های کافی و کارآمد در بسیاری از بسترها به صورت تک‌بعدی تحلیل شده است. این موج از مطالعات از مقاله مهم و تأثیرگذار بارداسی و وودن^۲ در سال ۲۰۰۶، الهام گرفته‌اند؛ آنها برای نخستین بار شاخص‌های سنتی فقر، مانند شاخص نسبت سرشمار^۳، شاخص شکاف فقر^۴ و شاخص ترکیبی فاستر، گریر و توریک (FGT)، را تنها در ارتباط با عامل زمان مورد بررسی قرار داده و فقر زمانی را به عنوان وضعیتی تعریف کردند که در آن برخی از افراد زمان کافی برای استراحت یا بازتوانی پس از محاسبه زمان کار ندارند (بردسی و وودن، ۲۰۰۶). پس از آن، مطالعات دیگری نیز به محاسبه خط فقر زمانی و میزان‌های فقر زمانی در کشورهای مختلف، بدون در نظر گرفتن عامل درآمد و مصرف پرداختند (Olawuyi et al, 2022; Vega-Rapun et al, 2021; Ranatunga & Dunusinghe, 2021; Lamichhane & Dhakal, 2020; Ezzat & Nazier, 2019; Arora, 2015; Ribeiro & Marinho, 2012; Najam-us-Saqib & Arif, 2012).

محاسبه میزان‌های فقر زمانی، مانند شاخص‌های فقر درآمدی، با تعریف آستانه‌های نسبی یا مطلق صورت می‌گیرد که از طریق آن افراد فقیر از غیر فقیر تمیز داده می‌شوند، با این تفاوت که در ادبیات فقر درآمدی-مصرفی، معمولاً از رویکرد هزینه نیازهای اساسی مبتنی بر تغذیه (سبد خوراکی) برای تخمین خطوط فقر استفاده می‌شود اما در موضوع فقر زمانی، معیار انتخاب

1. The Levy Institute Measure of Time and Consumption Poverty (LIMTCP)
 2. Bardasi & Wodon
 3. Headcount Ratio
 4. Time Poverty Gap

خط فقر متنوع‌تر است. آستانه‌های مطلق فقر زمانی معمولاً براساس مفروضات نظری و مطالعات پیشین در مورد اختصاص زمان به فعالیت‌های روزانه تعیین می‌شوند؛ به‌طور مثال برخی مطالعات ۵۰ ساعت کار در هفته را به عنوان آستانه در نظر گرفته‌اند (پورتمن^۱، ۲۰۰۵). در حالی که در آستانه‌های نسبی، تعیین خط فقر بر پایه توزیع مشاهده‌شده زمان در جامعه مورد مطالعه (معمولاً با استفاده از شاخص‌های گرایش مرکزی نظیر میان و میانگین) صورت می‌گیرد (ویلیامز و همکاران، ۲۰۱۶: ۲۷۴). برای مثال، کالکوسکی^۲ و همکاران (۲۰۱۱) و بورچارد (۲۰۰۸) در مقالات خود ضریبی از میانه کل ساعات کار (۵۰، ۶۰ و ۷۰ درصد) را به عنوان آستانه فقر زمانی تعریف کرده‌اند.

اما تنوع در چارچوب‌های مفهومی فقر زمانی در نسل جدید مطالعات این حوزه صرفاً به رویکردهای نسبی و مطلق در تعریف خط فقر و اقتباس شاخص‌های مختلف محدود نمی‌شود. نحوه طبقه‌بندی فعالیت‌های گذران وقت یکی دیگر از موضوعاتی است که محققان با آن مواجه بوده‌اند. در این زمینه، ارجاع به طبقه‌بندی کلاسیک ارائه‌شده توسط آس^۳ (۱۹۷۸) بیشتر به چشم می‌خورد که فعالیت‌های روزانه را به چهار گروه اصلی فعالیت‌های ضروری^۴، قراردادی^۵، تعهدی^۶ و اوقات فراغت^۷ تقسیم کرده است (کلنکوسکی^۸، ۲۰۲۱؛ کانوی و همکاران، ۲۰۲۱؛ وگاراپون و همکاران، ۲۰۲۱). زمان‌های ضروری شامل آن دسته از فعالیت‌هایی است که برای رفع نیازهای اولیه فیزیولوژیکی مانند غذا خوردن، خوابیدن، سلامتی و بهداشت لازم است. زمان قراردادی شامل فعالیت‌هایی است که منجر به ایجاد درآمد می‌شود و زمان تعهدی به فعالیت‌هایی اشاره دارد که باید با توجه به دوره‌های مختلف چرخه زندگی انجام شوند که از آن جمله می‌توان به وظایف همسری و خانه‌داری پس از ازدواج و وظایف والدینی پس از فرزندآوری اشاره کرد. در نهایت اوقات فراغت یا زمان آزاد به عنوان زمان باقی‌مانده روزانه یا هفتگی پس از کسر سایر زمان‌ها تعریف می‌شود.

در این بین موضوعی که از اهمیت مضاعفی برخوردار است، تعریف زمان در اختیار بالقوه^۹ یا یا اوقات فراغت است. در ادبیات گذران وقت، اصطلاح زمان در اختیار بالقوه نیز مانند اصطلاح زمان آزاد بالفعل^{۱۰} به باقیمانده ساعات شبانه‌روز، پس از انجام سه دسته از فعالیت‌های دستمزدی، غیر دستمزدی و ضروری دلالت دارد. اگر حداقل زمان مورد نیاز برای فعالیت‌های سه‌گانه در نظر گرفته شود، زمان در اختیار بالقوه به دست می‌آید. اما اگر زمانی که به دلخواه هر فرد صرف

1. Poortman
2. Kalenkoski
3. Ås
4. necessary
5. contracted
6. committed
7. free
8. Kalenkoski
9. Potentially Discretionary Time
10. Actual Free Time

فعالیت‌های سه‌گانه می‌شود مبنای محاسبه قرار گیرد، زمان در اختیار بالفعل حاصل خواهد شد (گوودن و همکاران، ۲۰۰۵: ۵۴). به‌عنوان مثال، در طول شبانه‌روز به یک حداقل زمان برای خوابیدن و استراحت نیاز است اما ممکن است فردی به دلخواه خود، بیش از زمان حداقل مورد نیاز استراحت کند. یا برای قرار نگرفتن در زیر خطر فقر، نیاز به یک حداقل ساعت کاری است اما یک فرد می‌تواند برای کسب درآمد بیشتر، زمان بیشتری را صرف کار کردن کند.

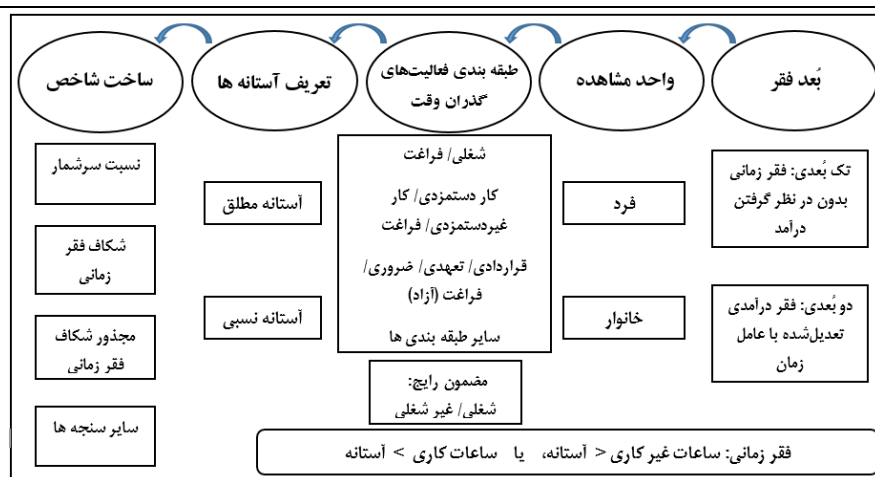
از آنجایی که فعالیت‌های دستمزدی و غیر دستمزدی تعریف مشخصی دارند و اجماع نظر جهانی نسبت به آن‌ها وجود دارد، مناقشه موجود به تفکیک زمان‌های مربوط به فعالیت‌های ضروری معطوف می‌شود.^۱ چنانچه در برخی از پژوهش‌های این حوزه، زمان در اختیار، مقدار زمان باقی‌مانده پس از انجام برخی از فعالیت‌های ضروری تعریف شده است (کانوی و همکاران، ۲۰۲۱: ۲). بنابراین، هنگامی که رویکرد ما در مفهوم‌سازی فقر زمانی بجای کار بیش از حد معمول، بر اوقات فراغت کمتر از حد معمول دلالت داشته باشد، می‌بایست به‌طور روشن مشخص شود که اوقات فراغت شامل کدام دسته از فعالیت‌های غیر ضروری می‌شود.

در یکی از جدیدترین مطالعات انجام‌شده مرتبط با مفهوم‌سازی فقر زمانی، راجرز^۲ (۲۰۲۳) با مرور ادبیات پیشین و الهام از مباحث مطرح‌شده در مقاله ویلیامز و همکاران (۲۰۱۶)، یک چارچوب ۵ مرحله‌ای از فرایند مفهوم‌سازی فقر زمانی ارائه داده است که می‌تواند به عنوان یک نقشه راه‌نما برای محققان علاقمند به این موضوع مورد استفاده قرار بگیرد. این پنج مرحله عبارت‌اند از انتخاب بُعد فقر، انتخاب واحد مشاهده، طبقه‌بندی فعالیت‌های گذران وقت، انتخاب آستانه‌ها و ساخت شاخص‌ها (همان). با توجه به اینکه مفهوم‌سازی از فقر زمانی در این مقاله براساس چارچوب مذکور صورت گرفته است، توضیحات تفصیلی در بخش روش‌شناسی مطرح شده است و در اینجا به ارائه تصویر شماتیک این چارچوب بسنده می‌کنیم (شکل ۱).

شکل ۱. چارچوب مفهومی فقر زمانی، منبع: راجرز (۲۰۲۳)

۱. به‌طور مثال، تحصیلات و فعالیت‌های مربوط به یادگیری گاهی ذیل فعالیت‌های ضروری و گاهی هم به عنوان یک طبقه مستقل در نظر گرفته شده است.

2. Rodgers



۲-۲. مرور تجربی تحقیق

ادبیات موجود، عوامل مرتبط با فقر زمانی را تحت موضوعات مختلفی دسته‌بندی کرده که شاید بتوان گفت تبیین تفاوت‌های جنسیتی وجه مشترک اکثریت قریب به اتفاق این مطالعات بوده است. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، از نظر گودین (۲۰۰۸)، ارتباط سه رژیم جنسیت (تفاوت‌های فردی میان مردان و زنان)، خانواده (تفاوت‌های میان‌خانواری) و رفاهی (تفاوت‌های میان کشوری) با مسئله فقر زمانی کتمان‌ناپذیر است. اما باید توجه کنیم که آزمون همه متغیرهایی که می‌توانند به‌طور بالقوه بر تجربه فقر زمانی و شدت آن مؤثر باشند کار دشواری است. از این‌رو، مطالعات این حوزه بسته به رویکردهای نظری و روشی مختلف، بر مؤلفه‌های گوناگون متمرکز شده‌اند. با توجه به رویکرد مقاله حاضر در خصوص بررسی تفاوت‌های جنسی و سنی به عنوان مهم‌ترین عوامل متمایز کننده پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی، در ادامه برخی از مهم‌ترین شواهد تجربی مرتبط با این تفاوت‌ها، به‌ترتیب زمان (سال انتشار) مرور شده‌اند.

به‌طور کلی، پژوهش‌های این حوزه به مسئولیت‌های سنگین زنان اشاره می‌کند که ناشی از ایفای نقش دوگانه در خانه و بازار کار است؛ بیتمن و واجمان^۱ (۲۰۰۰) با استفاده از داده‌های گذران وقت استرالیا در سال ۱۹۹۲ نشان دادند که فقر زمانی زنان به دلیل وظایف مربوط به فرزندپروری، بیشتر از مردان است و پیشنهاد کردند برای جلوگیری از کاهش بازده کاری زنان، بررسی شکاف جنسیتی در اوقات فراغت بایستی در دستور کار سیاست‌گذاران قرار گیرد.

آنتونوپولوس و همکاران (۲۰۱۲) با مطالعه فقر درآمدی و کسری‌های زمانی در منطقه آمریکای لاتین و کشورهای مکزیک، شیلی و آرژانتین دریافتند شیوع کسری‌های زمانی در بین

1. Bittman & Wajcman

افراد فقیر (از لحاظ درآمد) بیشتر از سایرین است و در این زمینه زنان، آسیب پذیرتر از مردان هستند به طوری که زنان کارگر بیش از هر گروه دیگری احتمال تجربه توأمان فقر زمانی و درآمدی را داشتند. خانوارهای تک‌سرپرست نیز نسبت به زوج‌های متاهل میزان فقر بالاتری را تجربه می‌کردند.

ریبریو^۱ و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از پیمایش نمونه‌گیری ملی خانوار در برزیل برای محاسبه فقر زمانی از شاخص تطبیق‌یافته فاستر، گریر و توریک (FGT) استفاده کرده‌اند. نتایج آنها نشان داد زنان و دختران در مناطق شهری و روستایی برزیل، فقیرترین افراد از نظر در اختیار داشتن زمان آزاد هستند. بار سنگین مسئولیت‌های خانگی و مراقبت از اعضای خانواده، بار زمانی بیشتری را بر زنان نسبت به مردان تحمیل می‌کند. همچنین، بررسی عوامل تعیین‌کننده فقر زمانی نشان می‌دهد که معیارهای قدرت چانه‌زنی مانند دارایی‌ها و تحصیلات به دلیل نقش‌های جنسیتی و برتری هنجارهای مردسالانه لزوماً به نفع زنان نبوده و فقر زمانی آن‌ها را کاهش نمی‌دهد.

آرورا^۲ (۲۰۱۵) نیز با صخه گذاشتن بر عامل جنسیت به عنوان تعیین‌کننده اصلی فقر زمانی در یکی دیگر از کشورهای آفریقایی یعنی موزامبیک، به این نتیجه رسید که عواملی مانند دارایی‌ها و تحصیلات عالی منجر به کاهش فقر زمانی زنان نمی‌گردد و نابرابری در توزیع کار بدون دستمزد، بر استقلال و رفاه زنان تأثیر منفی می‌گذارد. یافته‌های وی همچنین نشان داد توزیع فقر زمانی برحسب سن به شکل U معکوس است و افراد در سنین میان‌سالی، فقر زمانی بیشتری را تجربه می‌کنند.

رز^۳ (۲۰۱۶) از طریق مصاحبه عمیق با ۱۸ زن استرالیایی شاغل در حوزه‌های مختلف، سعی در شناسایی نحوه مدیریت زمان توسط این افراد داشته است. یافته‌های مطالعه وی نشان می‌دهد که مادران شاغل، سطوح بالایی از فشار زمانی اعم از زمان ناکافی برای فعالیت‌های ضروری یا اختیاری، ادغام کارها و تداخل نقش‌ها از جمله نقش مادری و وظایف کاری را متحمل می‌شوند. انجام چند کار به طور همزمان از جمله راه‌کارهای مقابله زنان با فقر زمانی بوده است که منجر به کاهش کیفیت زمان در اختیار آن‌ها شده است. رز به عنوان راهکار کاهش فقر زمانی زنان، به بازتوزیع مسئولیت‌های مراقبتی بین پدران و مادران اشاره می‌کند. به عقیده وی، مدیران در محیط‌های کاری و سیاست‌گذاران بایستی انعطاف‌پذیری شغلی پدران را مورد بازنگری قرار دهند تا از طریق مشارکت بیشتر مردان در امور منزل، استرس و نابرابری زمانی که زنان تحمل می‌کنند، کاهش یابد.

1. Ribeiro
2. Arora
3. Rose

چی و دونگ^۱ (۲۰۱۸) با استفاده از داده‌های پیمایش گذران وقت و درآمد خانوار در سال ۲۰۰۸ در چین دریافتند که زنان متاهل، دارای فرزند و شاغل که درآمد پایینی دارند، به دلیل مسئولیت‌های مراقبتی و تداخل نقش‌ها بیشترین فقر زمانی را تجربه می‌کنند. نتایج نشان داد که زنان شاغل حدوداً ۷ ساعت در هفته بیشتر از مردان شاغل کار می‌کنند. مطالعه دیگری نیز در کره جنوبی نشان داد فرضیه زنا نه شدن فقر^۲ در الگوهای گذران وقت و کسری‌های زمانی نیز صادق است. زنان کره‌ای به منظور حفظ بقای خانوار، متحمل فقر مضاعف و چندگانه‌ای هستند که ناشی از ساعات کار طولانی است.

در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، مطالعه عزت و نظیر^۳ (۲۰۱۹) در کشورهای مصر و تونس نشان داد احتمال تجربه فقر زمانی در دوران جوانی افزایش و پس از سنین بزرگسالی کاهش پیدا می‌کند و الگوی سنی فقر زمانی به شکل U معکوس است. علاوه بر این، از نظر آن‌ها جنسیت مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده فقر زمانی است که بیانگر انعطاف‌ناپذیری هنجارهای مردسالارانه در این جوامع و تأثیر هنجارها در شکل‌دادن به نقش‌های جنسیتی و تقسیم کار در داخل خانواده است. نتایج تجربی این مطالعه نشان می‌دهد احتمال فقر زمانی برای زنانی که دسترسی به زیرساخت‌های اولیه، مانند تأسیسات فاضلاب و آب لوله‌کشی ندارند، بیشتر است در حالی که این متغیرها بر فقر زمانی مردان تأثیرگذار نبوده‌اند.

یافته‌ها همچنین نشان داده است در کشورهای جنوب صحرای آفریقا نیز، زنان به‌طور متوسط ۴ ساعت و در هند تا ۶ ساعت در شبانه‌روز را صرف کار خانگی بدون مزد مانند نظافت و آشپزی می‌کنند که با شیوع بیشتر فقر زمانی در میان آنها همراه بوده است (گیرژ و همکاران، ۲۰۲۰). این مقدار برای دختران فقیر ساکن در مناطق روستایی بنگلادش به ۱۰ ساعت در شبانه‌روز نیز می‌رسد (همان).

مطالعه الایوی^۴ و همکاران (۲۰۲۲) در بررسی شاخص‌های فقر زمانی میان کشاورزان نیجریه‌ای نیز نشان داد جنسیت افراد تأثیر زیادی بر میزان اوقات فراغت آنان دارد. به‌طوری‌که زنان در برابر فقر زمانی آسیب‌پذیرتر بوده و علاوه بر زمان صرف‌شده در امور کشاورزی، ملزم به انجام امور خانگی بدون دستمزد نیز هستند.

در مجموع، مرور مطالعات فوق نشان می‌دهد که ادبیات موجود، الگوهای فقر زمانی را، به‌ویژه در جوامع درحال توسعه، با اشاره به ابعاد جنسیتی برجسته کرده است. این وضعیت، به

1. Qi & Dong
2. The Feminization of Poverty
3. Ezzat & Nazier
4. Olawuyi

خصوص در رابطه با کشورهای منطقه منا که براساس میزان مشارکت زنان در نیروی کار و تقسیم جنسیتی کار در خانواده، دارای ویژگی‌های مشابهی هستند می‌تواند حائز اهمیت باشد.

۳. روش و داده‌ها

روش پژوهش این مقاله تحلیل ثانویه است و داده‌ها برگرفته از پیمایش ملی گذران وقت هستند. این پیمایش تاکنون در سه دوره (سال‌های ۸۸-۱۳۸۷، ۹۴-۱۳۹۳ و ۹۹-۱۳۹۸) توسط مرکز آمار ایران، با هدف ارائه اطلاعات مربوط به نوع و مدت زمان فعالیت‌های شبانه‌روزی افراد ۱۵ ساله و بیشتر در خانوارهای معمولی ساکن و گروهی و در مناطق شهری کشور انجام شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۹). داده‌ها حاوی اطلاعاتی در خصوص تمامی فعالیت‌های روزانه افراد به همراه متغیرهای اقتصادی- اجتماعی در سطح فرد و خانوار است که پاسخ به سؤالات این پژوهش را ممکن می‌سازد.

در این مطالعه برای مفهوم‌سازی فقر زمانی از چارچوب پیشنهادی راجرز استفاده شده است که مراحل آن در جدول ۱ نشان داده شده است. مراحل کار بدین شرح است؛ در گام اول به دلیل فقدان متغیر درآمد، فقر زمانی با یک رویکرد تک‌بعدی و مستقل از عامل درآمد برآورد شده است. در گام دوم، نوع فعالیت‌ها مبنای تعریف فقر زمانی قرار گرفته‌اند. بنابراین طبقه‌بندی فعالیت‌های گذران وقت براساس تقسیم دوگانه ساعات کاری و غیر کاری خواهد بود. با این تأکید که فعالیت‌های بازتولیدی غیر دستمزدی مربوط به خانوار (تولید کالا، خدمات خانگی و مراقبت) نیز ذیل فعالیت‌های کاری تعریف شده‌اند. جدول ۲ فعالیت‌های انتخاب‌شده برای تعیین خط فقر زمانی در سه دوره پیمایش گذران وقت مناطق شهری کشور را نشان می‌دهد.

در گام سوم، همسو با مطالعه مرجع در این زمینه (بردسی و وودن، ۲۰۰۶) و برخی منابع دیگر (عزت و نازیار، ۲۰۱۷؛ نیانزو، ۲۰۱۷)، دو آستانه نسبی پایین و بالا برای تعیین خط فقر انتخاب شدند که به ترتیب ۱.۵ برابر و ۲ برابر میانه کل ساعات کار (دستمزدی و غیر دستمزدی) افراد می‌باشد.

جدول ۱. تعریف عملیاتی فقر زمانی براساس چارچوب مفهومی راجرز (۲۰۲۳)

مراحل	دستور العمل	اقدامات انجام شده
۱	انتخاب ابعاد مورد بررسی	تک بعدی (فقر زمانی مستقل از عامل درآمد)
۲	انتخاب واحد مشاهده (گروه هدف)	تمامی افراد حاضر در نمونه (۱۵ سال به بالا)
۳	انتخاب فعالیت‌های معیار	فعالیت‌های شغلی و خانگی (دستمزدی و غیر دستمزدی)
۴	تعریف آستانه فقر	دو آستانه نسبی پایین (۱/۵ برابر میانه) و بالا (۲ برابر میانه)

عملیاتی کردن مفهوم

۵	ساخت شاخص	بکارگیری شاخص فاستر، گریر و توربک (FGT): سنجه‌های نسبت سرشمار، شکاف فقر و مجذور شکاف فقر
---	-----------	---

جدول ۲. فعالیت‌های منتخب پیمایش گذران وقت در تعریف فقر زمانی^۱

بخش اصلی	سال پیمایش	کد فعالیت‌ها
کلیه فعالیت‌های شغلی (دستمزدی)	۸۷-۸۸ و ۹۳-۹۴	۵ - ۱
	۹۸-۹۹	۱
کلیه فعالیت‌های خانگی (غیر دستمزدی)	۸۷-۸۸ و ۹۳-۹۴	۶ و ۷
	۹۸-۹۹	۴ - ۲

در نهایت فقر زمانی با به‌کارگیری شاخص معروف فقر فاستر، گریر و توربک (FGT) محاسبه خواهد شد. شاخص FGT معمول‌ترین سنجه به کار رفته برای تخمین فقر بشمار می‌رود (نصرت آبادی و همکاران، ۱۳۹۴) و هدف آن محاسبه سه پارامتر نسبت سرشمار، شکاف فقر و شدت فقر است. نسبت سرشمار، سهم جمعیتی است که از نظر زمانی فقیر محسوب می‌شوند. این شاخص در واقع شیوع فقر در جامعه را می‌سنجد و اطلاعاتی در مورد عمق آن ارائه نمی‌دهد. اگر اندازه جمعیت یا تعداد خانوار را n بنامیم و تعداد افراد یا خانوارهایی که از نظر زمانی فقیر هستند را با q نشان دهیم، نسبت سرشمار از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$H = \frac{q}{n}$$

در شاخص دوم، شکاف فقر زمانی یا میانگین فاصله‌ای که جمعیت فقیر با خط فقر دارد، محاسبه می‌شود (لمیچان و داکال^۲، ۲۰۲۰: ۲۸). این شاخص کسری زمانی کل جمعیت را اندازه‌گیری می‌کند و در واقع مقدار زمانی را که برای رهایی افراد از فقر زمانی از طریق انتقالات زمانی^۳ هدفمند نیاز است، نشان می‌دهد^۴ و از طریق رابطه زیر بدست می‌آید (بردسی و وودن، ۲۰۰۶: ۷۸):

$$PG = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{y_i - z}{z} \right)$$

۱. سایر فعالیت‌ها به طور کلی شامل گروه‌های «فعالیت‌های آموزشی»، «معاشرت و مشارکت اجتماعی»، «فراغت و فعالیت‌های ورزشی» و «رسیدگی و خودمراقبتی» می‌شود که در تعریف فقر زمانی وارد نشدند.

2. Lamichhane & Dhakal

3. Time Transfer

۴. چنین نقل و انتقالاتی در قالب یارانه به برخی از خانواده‌ها در برخی از کشورهای توسعه یافته ارائه می‌شود تا شدت فقر زمانی آن‌ها را کاهش دهد. به عنوان مثال در بلژیک خانواده‌هایی که سه فرزند کوچک دارند ممکن است از کمک یک مددکار اجتماعی در خانه بهره‌مند شوند (بردسی و وودن، ۲۰۰۶: ۷۸).

در رابطه فوق y_i برابر با مجموع ساعات کاری i امین فرد دارای فقر زمانی است. z بیانگر آستانه یا خط فقر زمانی و n نیز برابر با همه افراد مورد بررسی است. اگر مقدار شکاف بدست آمده به عنوان مثال برابر با $0/20$ باشد، به این معنی است که در صورت تخصیص زمانی معادل با 20 درصد مقدار آستانه فقر زمانی، افراد مبتلا به فقر زمانی از این نوع فقر رها خواهند شد.

اما همانطور که در بسیاری از مطالعات مرتبط با فقر مشخص شده است، شاخص شکاف زمانی ممکن است به تنهایی نشان دهنده شدت فقر نباشد، به این دلیل که این نسبت ممکن است با افزایش زمان کاری کاهش یابد. این وضعیت به ویژه هنگامی رخ می دهد که بسیاری از افراد فقیر زمانی که در نزدیکی خط فقر قرار دارند، تصمیم بگیرند تعداد ساعات کاری خود را کاهش دهند (اولوی^۱ و همکاران، ۲۰۲۲). از این رو، برای سنجش واقعی تر شدت فقر زمانی، نیاز است به کسانی که ساعات کاری طولانی تری دارند (یا زمان آزاد کمتری دارند) وزن بیشتری دهیم (بردسی و وودن، ۲۰۱۰: ۹). این کار از طریق شاخص سوم روش FGT یا همان مجذور شکاف فقر زمانی محاسبه می شود. به عبارت دیگر، مجذور شکاف فقر، سطح نابرابری بین افراد مبتلا به فقر زمانی را اندازه می گیرد (راناتونگا و دانوسینگ^۲، ۲۰۲۱: ۵۷):

$$SPG = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{y_i - z}{z} \right)^2$$

در تفسیر معادله های فوق می توان گفت که هرچه درصد شکاف فقر زمانی بیشتر باشد، میانگین فاصله افراد مبتلا به فقر زمانی از خط فقر و در نتیجه شدت فقر زمانی در کل جمعیت بیشتر است و هرچه مجذور شکاف فقر زمانی بیشتر باشد به آن معناست که تعداد افراد بیشتری فقر زمانی شدید و مفرط را تجربه می کنند. در این مقاله شاخص های فوق براساس آستانه فقر پایین (۱.۵ برابر میانه ساعات کار) و آستانه فقر بالا (۲ برابر میانه ساعات کار) به تفکیک جنس و گروه سنی برای دوره های متوالی پیمایش گذران وقت محاسبه خواهند شد.

۴. یافته ها

در ابتدای این بخش، پاسخگویان توصیف می شوند. بر اساس جدول ۳، تغییر قابل توجهی در سهم مردان و زنان در طول زمان به وجود نیامده است. همچنین در طول دوره مطالعه، گروه سنی ۱۵-۳۹ ساله بیشترین و گروه سنی ۶۰ ساله و بیشتر، کمترین فراوانی را داشته اند هرچند سهم جوان ترین گروه سنی کاهش و سهم میانسالان و سالمندان افزایش یافته است. به طور خاص،

1. Olawuyi

2. Ranatunga & Dunusinghe

افراد ۴۰ ساله و بیشتر در دوره اول حدود ۴۰ درصد و در دوره سوم تقریباً نیمی از نمونه را تشکیل می‌دادند که افزایش متوسط سن پاسخگویان را نشان می‌دهد.

جدول ۳. توصیف (درصد ستونی) متغیرهای جنس و سن در مناطق شهری ایران، ۱۳۸۷-۱۳۹۹

متغیر	زیرگروه‌ها	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل
جنس	مرد	۴۹.۰۱	۴۹.۱۲	۴۹.۳۷	۴۹.۱۶
	زن	۵۰.۹۹	۵۰.۸۸	۵۰.۶۳	۵۰.۸۴
گروه سنی	۳۹-۱۵	۶۱.۴۴	۵۶.۳۳	۵۱.۰۹	۵۶.۳۸
	۵۹-۴۰	۲۸.۱۷	۳۱.۹۰	۳۲.۵۰	۳۰.۸۵
	۶۰+	۱۰.۳۹	۱۱.۷۷	۱۶.۴۱	۱۲.۷۶
کل	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول ۴ خط فقر زمانی را ارائه می‌کند. طبق تعریف آستانه پایین فقر، افرادی که در کل دوره مطالعه بیش از ۸.۶۲ ساعت در روز به کار دستمزدی یا غیر دستمزدی مشغول بوده‌اند، از نظر زمانی فقیر محسوب می‌شوند. رقم مشابه بر اساس تعریف سخت‌گیرانه‌تر آستانه فقر بالا، ۱۱.۵ ساعت است. روند تغییرات خط فقر از یک الگوی U-شکل پیروی می‌کند. کمتر بودن آستانه فقر در دوره دوم را می‌توان با کاهش میزان تورم در میانه دهه ۱۳۹۰ (بانک جهانی، ۲۰۲۴)، کم شدن شدت فشار اقتصادی برای تامین معاش و به تبع آن کاهش ساعات کار دستمزدی مرتبط دانست.

جدول ۴. خط فقر زمانی (ساعت) در مناطق شهری ایران، ۱۳۸۷-۱۳۹۹

آستانه فقر	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل (دوره)
پایین	۸.۶۲	۸.۲۵	۹	۸.۶۲
بالا	۱۱.۵	۱۱	۱۲	۱۱.۵

نکته: آستانه پایین فقر برابر است با ۱.۵ برابر میانه ساعات کار و آستانه بالای فقر برابر است با ۲ برابر میانه ساعات کار که برای کل دوره مطالعه ۵.۷۵ ساعت در روز و برای دوره‌های اول، دوم و سوم پیمایش به ترتیب ۵.۵، ۶ و ۵.۷۵ ساعت در روز می‌باشد.

جدول ۵ سنجه نسبت سرشمار فقر زمانی را برای کل پاسخگویان و نمودار ۱ این شاخص را به تفکیک جنس پاسخگویان در پیمایش‌های متوالی نشان می‌دهند. مطابق جدول ۵، در دوره‌های متوالی پیمایش، به ترتیب ۲۴.۲۵ درصد، ۱۹.۸۵ درصد و ۲۴.۵۳ درصد افراد ۱۵ ساله و

زمان به عنوان شاخص فقر: مطالعه فقر زمانی جمعیت شهری در ایران ۱۰۱

بیشتر مطابق تعریف آستانه پایین فقر و ۶.۴۳ درصد، ۳.۸۸ درصد و ۶.۱۴ درصد مطابق تعریف آستانه بالای فقر، دچار فقر زمانی بوده‌اند. این الگوی U-شکل که قبلاً در مورد خط فقر مشاهده شد (جدول ۴)، در مورد نسبت سرشمار فقر زمانی نیز در تمام گروه‌های سنی (جدول ۵) و فارغ از جنس پاسخگویان (نمودار ۱) مشاهده می‌شود.

جدول ۵. نسبت سرشمار فقر زمانی (درصد) زنان و مردان به تفکیک سن در مناطق شهری ایران، ۱۳۸۷-۱۳۹۹

آستانه پایین فقر				
سن	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل (دوره)
۳۹-۱۵	۲۲.۹۳	۱۹.۶۴	۲۵.۲۷	۲۳.۲۴
۵۹-۴۰	۳۱.۵۱	۲۴.۹۸	۳۱.۲۰	۳۰.۳۳
۶۰+	۱۲.۳۵	۶.۹۵	۹.۰۰	۹.۷۰
۱۵+	۲۴.۲۵	۱۹.۸۵	۲۴.۵۳	۲۳.۷۰

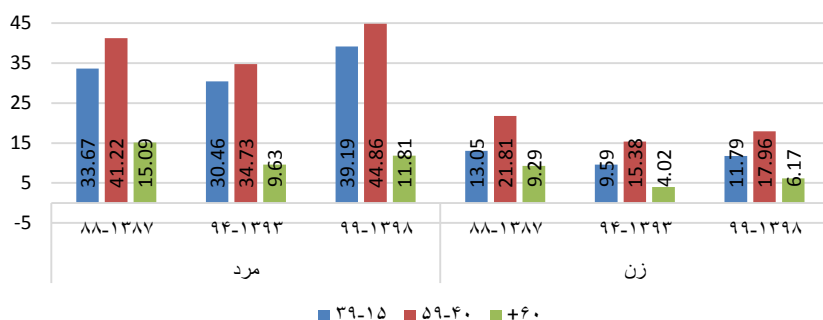
ادامه جدول ۵

آستانه بالای فقر				
سن	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل (دوره)
۳۹-۱۵	۶.۰۷	۴.۰۴	۶.۴۹	۵.۴۵
۵۹-۴۰	۸.۵۷	۴.۵۷	۷.۶۶	۶.۷۶
۶۰+	۲.۷۴	۱.۲۸	۲.۰۴	۱.۸۶
۱۵+	۶.۴۳	۳.۸۸	۶.۱۴	۵.۳۹

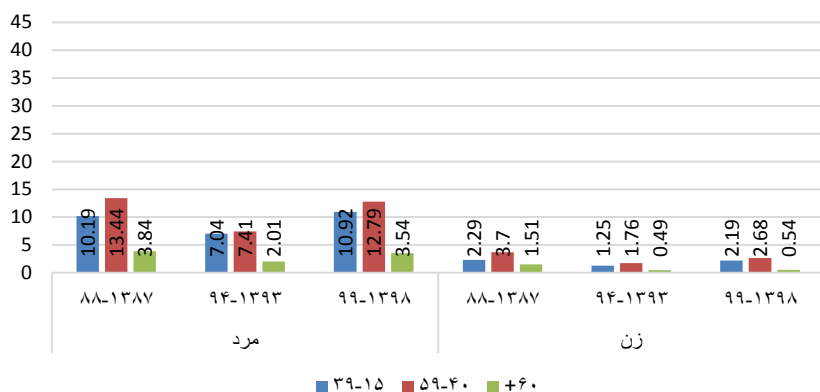
نکته: تمام روابط بین دو جنس و بین گروه‌های سنی در کل دوره و به تفکیک دوره معنی‌دار هستند ($p < 0.01$).

نمودار ۱. نسبت سرشمار فقر زمانی (درصد) به تفکیک جنس و سن در مناطق شهری ایران، ۱۳۸۷-۱۳۹۹

الف - آستانه پایین فقر



ب - آستانه بالای فقر



مطابق نمودار ۱، درصد افراد مبتلا به فقر زمانی در میان مردان در همه گروه‌های سنی و در همه مقاطع زمانی بیشتر از زنان است. یافته‌ای که ایران را از سایر کشورهای در حال توسعه متمایز می‌کند. همان‌طور که در قسمت پیشینه تجربی بیان شد، در بسیاری از کشورها، ابتلا به فقر زمانی در میان زنان به دلیل ایفای نقش‌های چندگانه بیشتر از مردان است. به نظر می‌رسد عدم مشارکت زنان در بازار کار دستمزدی از طرفی و دسترسی مناسب به زیرساخت‌های اولیه زندگی به خصوص در مناطق شهری از طرف دیگر، مانع شیوع گسترده فقر زمانی در میان آنان شده باشد. همچنین الگوی سنی U-شکل معکوس در تمام مقاطع زمانی و در هر دو جنس مشاهده می‌شود. الگویی که با یافته‌های عزت و نظیر (۲۰۱۸) و آرورا (۲۰۱۵) در مورد الگوهای سنی فقر زمانی تطابق دارد.

جدول ۶ شکاف فقر زمانی را برای کل پاسخگویان و نمودار ۲ این شاخص را به تفکیک جنس در دوره‌های زمانی متوالی نشان می‌دهند. با توجه به جدول ۶، متوسط فاصله افراد دارای

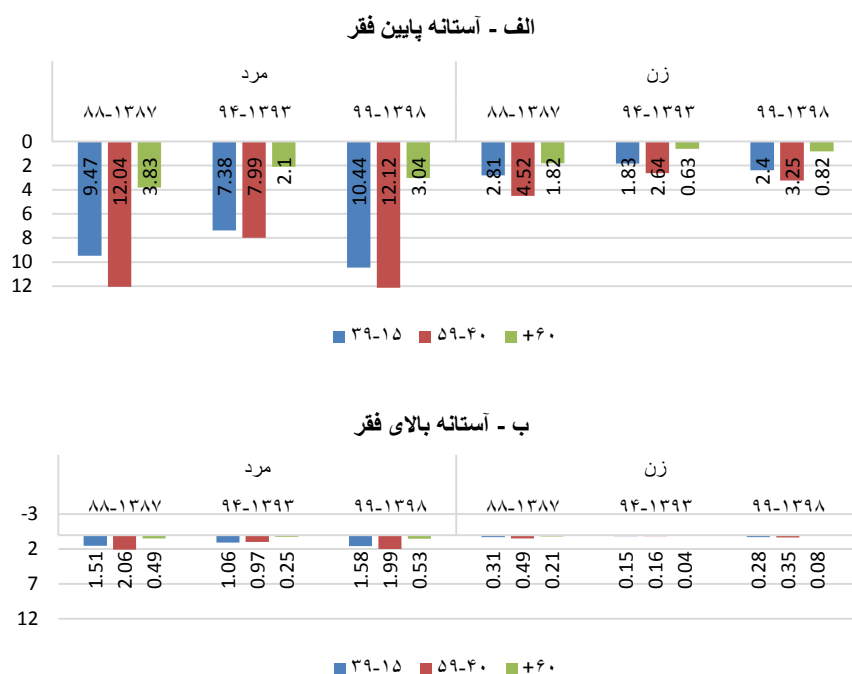
فقر زمانی از خط فقر در گروه سنی ۴۰-۵۹ ساله بیشتر از سایر سنین است و به عبارت دیگر این گروه فقر زمانی شدیدتری را تجربه می‌کنند. همانند شاخص شیوع فقر زمانی (جدول ۵ و نمودار ۱)، شدت فقر زمانی نیز در دوره دوم پیمایش گذران وقت کمتر از سایر دوره‌ها است و همچنان مردان در تمام گروه‌های سنی و تمام دوره‌های پیمایش فقر زمانی شدیدتری را نسبت به زنان تجربه می‌کنند.

جدول ۶. شکاف فقر زمانی (درصد) زنان و مردان به تفکیک سن در مناطق شهری ایران،

۱۳۸۷-۱۳۹۹

آستانه پایین فقر				
سن	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل (دوره)
۳۹-۱۵	۶.۰۰	۴.۵۰	۶.۳۶	۵.۵۴
۵۹-۴۰	۸.۲۸	۵.۲۹	۷.۶۲	۷.۰۰
۶۰+	۲.۸۸	۱.۴۰	۱.۹۴	۱.۹۸
۱۵+	۶.۳۲	۴.۳۹	۶.۰۴	۵.۵۴
آستانه بالای فقر				
سن	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل (دوره)
۳۹-۱۵	۰.۸۹	۰.۵۹	۰.۹۲	۰.۷۸
۵۹-۴۰	۱.۲۸	۰.۵۷	۱.۱۶	۰.۹۶
ادامه جدول ۶				
آستانه پایین فقر				
سن	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل (دوره)
۶۰+	۰.۳۶	۰.۱۵	۰.۲۶	۰.۲۴
۱۵+	۰.۹۴	۰.۵۳	۰.۸۹	۰.۷۶

نمودار ۲. شکاف فقر زمانی (درصد) به تفکیک جنس و سن در مناطق شهری ایران، ۱۳۸۷-۱۳۹۹



کاهش شدت فقر زمانی در موج دوم در حالی است که میانه ساعات کاری (دستمزدی و غیر دستمزدی) در این مقطع زمانی بیشتر از سایر دوره‌ها برآورد شده است.^۱ در توجیه این موضوع می‌توان به شاخص چولگی^۲ استناد کرد. مطابق این شاخص، توزیع ساعات کار دستمزدی در دوره کاهش تورم (۱۳۹۳-۱۳۹۴) نرمال‌تر شده و بنابراین تعداد افرادی که به صورت افراطی کار می‌کنند، کاهش یافته است. به عبارت دیگر، علیرغم افزایش میانه ساعات کاری، از شدت فقر زمانی یا متوسط فاصله افراد از خط فقر کاسته شده است.

شکاف فقر زمانی علاوه بر شدت فقر، مقدار زمان لازم برای رهایی از آن را نیز نشان می‌دهد. برای مثال شکاف فقر زمانی برای مردان ۴۰-۵۹ و ۶۰-۷۵ ساله در دوره ۱۳۹۳-۱۳۹۴ برابر با ۱۲.۴ درصد و میانه ساعات کاری برای مردان در دوره مذکور برابر با ۶ ساعت است. طبق تعریف، آستانه پایین فقر برای این مقطع زمانی برابر با ۹ ساعت (۱.۵ برابر میانه ساعات کاری)

۱. میانه ساعات کاری کل برای مردان به ترتیب برابر با ۶.۷۵ و ۶.۵ ساعت و برای زنان برابر با ۵.۲۵، ۵.۷۵ و ۵.۵ ساعت بوده است.

2. Skewness index

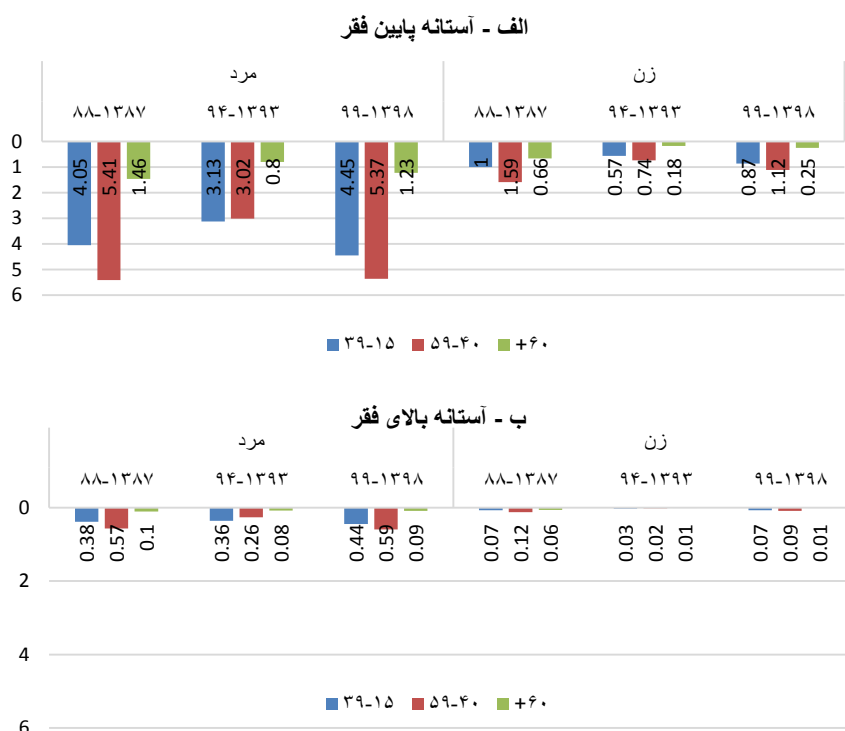
خواهد بود. بنابراین این گروه از مردان برای رهایی از فقر زمانی بایستی روزانه ۶۷ دقیقه^۱ زمان کمتری را به فعالیت‌های کاری (دستمزدی و غیر دستمزدی) اختصاص دهند.

مجذور شکاف فقر زمانی که در جدول ۷ (کل پاسخگویان) و نمودار ۳ (به تفکیک جنس) ارائه شده است، درصد افرادی را نشان می‌دهد که فقر زمانی بسیار شدید را تجربه می‌کنند. در اینجا نیز مردان در تمام گروه‌های سنی بیشتر از زنان فقر شدید را تجربه می‌کنند. با این وجود مقادیر ناچیز این شاخص، شیوع بسیار کم فقر زمانی شدید را به ویژه در مورد آستانه بالای فقر نشان می‌دهد. یافته‌های مشابهی در کشور سریلانکا بدست آمده است (Ranatunga & Dunusinghe, 2021).

جدول ۷. مجذور شکاف فقر زمانی (درصد) زنان و مردان به تفکیک سن در مناطق شهری ایران، ۱۳۸۷-۱۳۹۹

آستانه پایین فقر				
سن	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل (دوره)
۳۹-۱۵	۲.۴۷	۱.۸۰	۲.۶۳	۲.۲۵
۵۹-۴۰	۳.۵۰	۱.۸۷	۳.۲۲	۲.۷۸
۶۰+	۱.۰۸	۰.۵۱	۰.۷۴	۰.۷۳
۱۵+	۲.۶۱	۱.۶۷	۲.۵۱	۲.۲۲
آستانه بالای فقر				
سن	۸۸-۱۳۸۷	۹۴-۱۳۹۳	۹۹-۱۳۹۸	کل (دوره)
۳۹-۱۵	۰.۲۲	۰.۱۹	۰.۲۵	۰.۲۲
۵۹-۴۰	۰.۳۴	۰.۱۴	۰.۲۳	۰.۲۶
۶۰+	۰.۰۸	۰.۰۴	۰.۰۵	۰.۰۶
۱۵+	۰.۲۴	۰.۱۶	۰.۲۴	۰.۲۱

نمودار ۳. مجذور شکاف فقر زمانی (درصد) به تفکیک جنس و سن در مناطق شهری ایران، ۱۳۸۷-۱۳۹۹



۵. بحث و نتیجه‌گیری

موضوع فقر زمانی علیرغم اهمیت ذاتی و پیامدهایی که برای سلامت و بهره‌وری افراد دارد، در مطالعات اقتصادی و اجتماعی داخل کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که تا پیش از این بیشتر توجه ادبیات پژوهشی در حوزه اقتصاد و جامعه‌شناسی به فقر درآمدی افراد و خانوارها معطوف بود، امروزه اهمیت مسئله فقر زمانی به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک بُعد جدید و تأثیرگذار در شکل‌گیری نابرابری‌ها و کیفیت زندگی در جوامع مدرن در حال آشکار شدن است.

علاوه بر ارتباط نابرابری‌های ناشی از طبقه اقتصادی و اجتماعی فرد با میزان مواجهه با فقر زمانی، بدنه قابل توجهی از مطالعات بر این نکته تأکید کرده‌اند که بررسی این پدیده به‌خصوص در بستر نابرابری‌های جنسیتی حائز اهمیت است، زیرا فشار ناشی از نقش‌های خانگی و مراقبتی که زنان به‌طور ویژه‌ای عهده‌دار آن هستند، موجب می‌شود که آنان فرصت کافی برای پیگیری کارهای شغلی، آموزشی یا اجتماعی خود نداشته باشند (کیزیلماک و ممیز، ۲۰۰۹).

عدم شناخت کافی پیرامون این موضوع در کشور ضرورت انجام پژوهش حاضر را ایجاد کرده است. همان‌گونه که در ابتدای مقاله توضیح داده شد، این مسئله به دلایلی در ایران اهمیتی

دوچندان پیدا می‌کند. نخست آنکه وضعیت اقتصادی کشور طی دهه اخیر نوسانات قابل توجهی داشته که به‌طور مستقیم می‌تواند با سطح معیشت و زمان اختصاص داده‌شده به اشتغال در ارتباط باشد. دوم، تقسیم کار جنسیتی عمیق و گسترده‌ای در جامعه ایرانی وجود دارد که پرداختن به تفاوت‌های جنسیتی در الگوهای گذران وقت و مسئله فقر زمانی را توجیه می‌کند. سوم، سنجش عامل زمان در رویکردهای چندبُعدی به فقر در ایران مغفول مانده و به جز مطالعه ترابی و همکاران (۲۰۲۵) شناختی در این زمینه وجود ندارد.

مقاله حاضر با هدف شناخت بیشتر فقر زمانی در ایران به محاسبه شاخص‌های فقر درآمدی فاستر، گریر و توریک (FGT) در ارتباط با عامل زمان پرداخت. مهم‌ترین مزیت کاربست سنجش‌های مذکور این است که علاوه بر محاسبه شیوع فقر زمانی، شکاف و شدت فقر را نیز در جامعه مورد بررسی اندازه‌گیری می‌کنند. پژوهش حاضر فقر زمانی در جمعیت شهری را مورد مطالعه قرار داده است، زیرا پیمایش گذران وقت که تنها پیمایش ملی موجود برای سنجش فقر زمانی است، به مناطق شهری کشور محدود می‌باشد.

نخستین مطالعه فقر زمانی در بستر ایران توسط ترابی و همکاران (۲۰۲۵) با استفاده از داده‌های آخرین مقطع پیمایش گذران وقت ایران (۱۳۹۸-۱۳۹۹) و در سطح فردی انجام شد. تعریف آستانه فقر زمانی در مطالعه مذکور براساس زمان در اختیار یا به عبارتی فعالیت‌های مرتبط با اوقات فراغت افراد (مانند سفر کردن، کارهای داوطلبانه، یادگیری، معاشرت و شرکت در مراسمات فرهنگی و مذهبی، ورزش کردن و ...) صورت گرفته است. در مطالعه حاضر، این سؤال مطرح شده است که اگر آستانه فقر زمانی را براساس زمان اختصاص داده‌شده به فعالیت‌های کاری، اعم از مزدی و غیرمزدی، تعریف کنیم، چه نسبتی از مردان و زنان فقر زمانی را تجربه می‌کنند و آیا این روند در هر سه دوره پیمایش گذران وقت، ثابت بوده است. به عبارت دیگر، در این پژوهش، تعریف ما از خط فقر زمانی بجای «*اوقات فراغت کمتر از حد معمول*»، بر «*کار بیش از حد معمول*»، دلالت داشته است.

براساس نتایج، با در نظر گرفتن آستانه پایین فقر زمانی (۸.۶۲ ساعت کار در روز)، ۲۳.۷ درصد از افراد ۱۵ ساله و بیشتر از نظر زمانی فقیر هستند که اگرچه بیش از شیوع فقر زمانی بر اساس تعریف مبتنی بر اوقات فراغت (۱۶.۴۴٪) (ترابی و همکاران، ۲۰۲۵) است اما باید توجه داشت که در این مقاله دامنه سنی گسترده‌تری را شامل می‌شود. شیوع فقر زمانی با در نظر گرفتن آستانه بالای آن (۱۱.۵ ساعت کار در روز)، به ۵.۳۹ درصد کاهش می‌یابد. علاوه بر این، فقر زمانی در مناطق شهری ایران پدیده‌ای عمدتاً مردانه است به طوری که در تمام گروه‌های سنی، مردان بیش از زنان آن را تجربه می‌کنند. این یافته مؤید مطالعه ترابی و همکاران (۲۰۲۵) در مورد ایران و مغایر با اکثر مطالعات مرتبط با سایر کشورهای جهان است (Bardasi &

Wodon, 2010; Gammage, 2010; Najam-us-Saqib & Arif, 2012; Qi & Dong, 2018). این الگو همچنین در طول زمان مورد مطالعه و در هر سه شاخص نسبت سرشمار، شکاف فقر و مجذور شکاف فقر مشاهده شد که می‌تواند با دو عامل در ارتباط باشد. اول آنکه میزان مشارکت اقتصادی زنان در کشور بسیار پایین است؛ به‌طور مثال بنابر آمارهای آخرین سرشماری کشور در سال ۱۳۹۵، حدود ۱۴/۴ درصد از زنانی که بیشتر از ۱۵ سال سن داشتند، شاغل و یا در جستجوی کار بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). دوم، اگرچه اختصاص زمان به فعالیت‌های خانگی غیر دستمزدی توسط زنان شهرنشین در ایران به حدود ۵ برابر مردان می‌رسد (ترابی، ۱۳۹۹)، اما جنس فعالیتها نسبت به مناطق روستایی، به‌ویژه در برخی از کشورهای کمتر توسعه یافته که بخش قابل توجهی از زمان روزانه زنان صرف اموری مانند جمع‌آوری آب و هیزم می‌شود (بردسی و وودن، ۲۰۰۶)، متفاوت است.

یافته‌ها همچنین نشان دادند که بیشترین شیوع و شکاف فقر زمانی در سنین میانسالی (۴۰-۵۹ سال) رخ می‌دهد و به تعبیری الگوی سنی U-شکل معکوس در ایران مشاهده می‌شود که در راستای مطالعات سایر کشورها (Ezzat & Nazier, 2019; Arora, 2015) و همچنین مطالعه ترابی و همکاران (۲۰۲۵) در ایران است. این یافته در واقع با فرضیه آشپانه شلوغ و چندگانگی نقش‌ها در میانسالی (Lingren & Decker, 1992; Evandrou et al., 2002)؛ ترابی و سراونی، ۱۴۰۲) ب) مطابقت دارد که بر اساس نتایج، برای هر دو جنس و در طول دوره زمانی مورد بررسی صادق بوده است.

از دیگر یافته‌های پژوهش، مقادیر ناچیز شاخص مجذور شکاف فقر زمانی است که نشان‌دهنده شیوع بسیار کم فقر زمانی شدید در مناطق شهری کشور است. شیوع بیشتر فقر زمانی در مردان نسبت به زنان که در این شاخص و سایر شاخص‌های مورد بررسی مشاهده شد، از تاثیر بیشتر کار دستمزدی (فعالیت غالب مردان) نسبت به کار غیر دستمزدی (فعالیت غالب زنان) در شیوع این پدیده حکایت دارد. بنابراین می‌توان انتظار داشت فقر زمانی در میان افرادی که در حین اشتغال با مسئولیت‌های مربوط به خانه نیز مواجه‌اند، به مراتب شدیدتر باشد. ترابی و همکاران (۲۰۲۵) نیز نشان می‌دهند احتمال افزایش فقر زمانی در میان زنان و مردان شاغل، مستقل از ویژگی‌های مختلف فردی و خانواری آنان است.

یافته‌های این مطالعه از جنبه دلالت‌های خطامشی‌گذاری می‌تواند حاوی نکات زیر باشد؛

- از آنجا که کار دستمزدی عامل اصلی فقر زمانی است، اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های دوستدار زمان در محیط کار می‌تواند بر کاهش فقر زمانی موثر باشد. ایجاد ترتیبات شغلی انعطاف‌پذیر، استفاده از شیوه‌های مدیریت زمان، ارائه گزینه دورکاری، تشویق راهکارهای نوآورانه برای صرفه‌جویی در زمان و استفاده از

فن‌آوری‌های نوین برای خودکار کردن وظایف تکراری می‌تواند به کارکنان کمک کند تا وظایف خود را در زمان کمتری انجام دهند.

- با توجه مسئولیت مضاعف زنان شاغل، ایجاد تعادل بیشتر بین کار و زندگی می‌تواند در کاهش فقر زمانی آنان موثر باشد. ایجاد یک محیط حمایتی از طریق ارائه خدمات مراقبت از کودک در محل کار، امکان استفاده از مرخصی‌های ویژه والدینی، فراهم کردن فرصت‌های توسعه حرفه‌ای ویژه مادران و گسترش فرهنگ هم‌افزایی کار و خانواده می‌تواند بدون کاهش بهره‌وری و به خطر انداختن موقعیت شغلی، به کاهش زمان کاری زنان و مادران کمک کند.
- ایجاد مداخلات متناسب با گروه‌های سنی نیز از اولویت‌های کاهش فقر زمانی در کشور می‌باشد. با توجه به الگوی سنی فقر زمانی، زنان و مردان میانسال بیش از سایر افراد دچار مضیقه زمانی هستند. مدیریت استرس و ذهن‌آگاهی، مدیریت مسئولیت‌های خانه با استفاده از ابزار و برنامه‌های بودجه‌بندی و برنامه‌ریزی، استفاده از فن.
- برنامه‌ریزی برای ایجاد شهرهای دوستدار زمان از طریق توسعه حمل و نقل عمومی، ارائه خدمات تفریحی، ورزشی، پزشکی و تجاری محلی می‌تواند زمان رفت و آمد و مسافرت‌های درون شهری را کاهش دهد تا مردم بتوانند زمان بیشتری را به فعالیت‌های سودمند و مورد علاقه خود اختصاص دهند.
- ضمن تأکید بر تمایز فقر زمانی اجباری با فقر زمانی اختیاری، آگاه‌سازی و ترویج فرهنگی که برای اوقات فراغت ارزش قائل شود، می‌تواند افراد را تشویق کند تا زمان خود را به گونه‌ای مدیریت کنند که تعادل بیشتری میان کار (دستمزدی و غیر دستمزدی) و تفریح ایجاد کنند.
- ایجاد یک بانک اطلاعاتی جامع برای رصد عوامل موثر بر ایجاد فقر زمانی، پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی آن و روش‌های موثر برای کاهش آن در سطوح فردی، سازمانی و اجتماعی برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد و اجرای مداخلات موثر ضروری است.

پژوهش حاضر به‌عنوان یک مطالعه اکتشافی، فقر زمانی را به صورت جامع مورد بررسی قرار نداده است، لذا پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده موضوع‌های زیر را بررسی نمایند:

- بررسی رابطه میان فقر درآمدی و فقر زمانی؛
- تبیین فقر زمانی با استفاده از رویکرد تلاقی و توجه به چندبُعدی بودن تعیین‌کننده‌های آن؛

- اتخاذ رویکردهای روش‌شناختی ترکیبی به منظور سنجش شکاف میان فقر زمانی ذهنی و عینی؛
- بررسی نقش عوامل خانوادگی و اقتصادی مرتبط با فشار شغلی در میان افراد (به ویژه زنان) شاغل؛
- مقایسه الگوها و تعیین‌کننده‌های فقر زمانی در مناطق شهری و روستایی؛
- بررسی نقش تعیین‌کننده‌های فقر زمانی در سطح کلان (محلی، شهرستانی و استانی).

منابع

- ترابی، فاطمه، (۱۳۹۹)، جنسیت، گذران وقت و نقش‌های خانوادگی: اهمیت منابع نسبی و دسترسی زمانی. *مطالعات جمعیتی*، ۶ (۱): ۳۷-۶۵.
- ترابی، فاطمه و سراونی، کاظم، (۱۴۰۲ الف)، عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی مرتبط با مراقبت غیر دستمزدی در مناطق شهری ایران: شواهدی از پیمایش گذران وقت (۱۳۹۸-۱۳۹۹). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۲ (۱): ۱۰۵-۱۲۷.
- ترابی، فاطمه و سراونی، کاظم، (۱۴۰۲ ب)، شیوع نقش‌های چندگانه در میان زنان و مردان میانسال ساکن در مناطق شهری ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴ (۳): ۱۳۲-۱۰۹.
- جعفری، سمیه؛ مومنی، فرشاد؛ شاکری، عباس؛ راغرف حسین، (۱۴۰۰)، ارزیابی فقر چند بعدی در مناطق شهری و روستایی ایران به عنوان شاخصی از توسعه عادلانه. *سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۱۳ (۲۶): ۳۳۷-۳۱۵.
- دادگر، یدالله؛ نوفرستی، محمد؛ مختاری، محمدعلی، (۱۳۹۹)، یک ارزیابی از سطح، روند، و توزیع فقر چندبعدی در ایران. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۲۵ (۲): ۲۵-۴۳.
- ریبی، حسین؛ کفائی، سید محمدعلی، (۱۴۰۰)، بررسی فقر چندبعدی مناطق شهری ایران در دوره ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۸: به‌کارگیری وزن‌های حاصل از تحلیل تناظر چندگانه در روش آلفا-فوستر. *سیاست‌گذاری اقتصادی*، ۱۳ (۲۶): ۳۶۸-۳۳۹.
- زمان‌زاده، حمید؛ شاهمرادی، اصغر، (۱۳۹۰)، برآورد خطوط فقر در ایران بر اساس بُد خانوار. *تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی*، ۲ (۶): ۱-۱۸.
- سالم، علی‌اصغر؛ ابونوری، اسمعیل؛ عرب یارمحمدی، جواد، (۱۳۹۷)، رویکرد چندبعدی به اندازه‌گیری فقر؛ مفاهیم نظری و شواهد تجربی از اقتصاد ایران در طول سال‌های ۹۲-۱۳۷۰، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۸ (۶۸): ۹-۴۱.
- سالم، علی‌اصغر؛ عرب یارمحمدی، جواد، (۱۳۹۷)، عوامل موثر بر فقر چندبعدی، رویکرد مدل‌های چند سطحی پنل. *فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۶ (۸۷): ۴۶-۷.

فطرس، محمدحسن؛ قدسی، سوده، (۱۳۹۷)، فقر چندبعدی زنان و مردان سرپرست خانوار در مناطق شهری و روستایی ایران با استفاده از روش آکایر و فوستر، *رفاه اجتماعی*، ۱۸ (۶۹): ۱۸۵-۲۲۷.

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن*، سال ۱۳۹۵.

مرکز آمار ایران، (۱۳۹۹)، *نتایج سالانه طرح آمارگیری گذران وقت*، نقاط شهری کشور ۱۳۹۸-۱۳۹۹.

نصرت‌آبادی، مهدی؛ شریفیان‌ثانی، مریم؛ راغفر، حسن؛ نگین، وحیده؛ رهگذر، مهدی؛ باباپور، میترا، (۱۳۹۴)، اندازه‌گیری و تحلیل روند فقر غذایی در خانوارهای دارای کودک در ایران با به کارگیری

رویکرد نسلی: ۱۳۶۳-۱۳۹۱. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۵ (۵۶): ۳۹-۶۵.

نگهداری، ابراهیم؛ پیرایی، خسرو؛ کشاورزحداد، غلامرضا؛ حقیقت، علی (۱۳۹۶). محاسبه خط فقر خانوارهای روستایی ایران بر اساس بعد خانوار، ۱۳۸۵-۱۳۹۰. *روستا و توسعه*، ۱۷ (۴): ۱۷۲-۱۵۵.

Antonopoulos, Rania; Masterson, Thomas; Zacharias, Ajit (2012). It's about "time": Why time deficits matter for poverty, **Public Policy Brief**, No. 126, ISBN 978-1-936192-26-7, Levy Economics Institute of Bard College, Annandale-on-Hudson, NY

Apps, P. (2004). **Gender, time use, and models of the household** (Vol. 3233). World Bank Publications.

Arora, D. (2015). Gender differences in time-poverty in rural Mozambique. **Review of Social Economy**, 73(2), 196-221.

As, D. (1978). Studies of time-use: problems and prospects. **Acta Sociologica**, 21(2), 125-141.

Bardasi, Elena and Wodon, Quentin (2006): **Measuring Time Poverty and Analyzing Its Determinants: Concepts and Application to Guinea**. Published in: *Gender, Time Use, and Poverty in sub-Saharan Africa* (edited by Mark Blackden and Quentin Wodon, World Bank Working Paper) (January 2006): 75-95.

Bardasi, E., & Wodon, Q. (2010). Working long hours and having no choice: Time poverty in Guinea. **Feminist Economics**, 16(3), 45-78. <https://doi.org/10.1080/13545701.2010.508574>.

Becker, G. S. (1965). A Theory of the Allocation of Time. **The economic journal**, 75(299), 493-517.

Benvin, E., Rivera, E., & Tromben, V. (2016). A multidimensional time use and well-being index: a proposal for Colombia, Ecuador, Mexico and Uruguay. CEPAL Review.

Bianchi, S. M., Milkie, M. A., Sayer, L. C., & Robinson, J. P. (2000). Is anyone doing the housework? Trends in the gender division of household labor. **Social forces**, 79(1), 191-228.

Blackden, C. M., & Wodon, Q. (Eds.). (2006). **Gender, time use, and poverty in sub-Saharan Africa** (Vol. 73). World Bank Publications.

- Burchardt, T. (2008). **Time and income poverty**. Centre for Analysis of social exclusion report 57. London. <http://eprints.lse.ac.uk/28341/1/CASEREport57.pdf>
- Burchardt, T. (2010). Time, income and substantive freedom: A capability approach. **Time & society**, 19(3), 318-344.
- Chant, S. (2010). **Gendered poverty across space and time: introduction and overview**. In The international handbook of gender and poverty. Edward Elgar Publishing.
- Chatzitheochari, S., & Arber, S. (2012). Class, gender and time poverty: A time-use analysis of British workers' free time resources. **The British journal of sociology**, 63(3), 451-471.
- Conway, K. M., Wladis, C., & Hachey, A. C. (2021). Time poverty and parenthood: Who has time for college?. *American Educational Research Association (AERA Open)*, 7(1): 1-17.
- Douthitt, R. A. (2000). "Time to do the chores?" Factoring home-production needs into measures of poverty. **Journal of Family and Economic Issues**, 21(1), 7-22.
- Duffy, M. (2013). **Reproductive labor**. In *Sociology of Work: An Encyclopedia* (Vol. 2, pp. 729-730).
- Epstein, C. F., & Kalleberg, A. L. (Eds.). (2004). **Fighting for time: Shifting boundaries of work and social life**. Russell Sage Foundation.
- Evandrou, M., Glaser, K., & Henz, U. (2002). Multiple role occupancy in midlife: Balancing work and family life in Britain. **The Gerontologist**, 42(6), 781-789.
- Ezzat, A., & Nazier, H. (2019). Time poverty in Egypt and Tunisia: is there a gender gap?. **International Journal of Development Issues**, 18(3), 261-289.
- Gammage, S. (2010). Time pressed and time poor: Unpaid household work in Guatemala. **Feminist Economics**, 16(3), 79-112.
- Giurge, L. M., Whillans, A. V., & West, C. (2020). Why time poverty matters for individuals, organisations and nations. **Nature Human Behaviour**, 4(10), 993-1003.
- Goodin, R. E., Rice, J. M., Bittman, M., & Saunders, P. (2005). The Time-Pressure Illusion: Discretionary Time vs. Free Time. **Social Indicators Research**, 73(1), 43-70.
- Goodin, R. E., Rice, J. M., Parpo, A., & Eriksson, L. (2008). **Discretionary time: A new measure of freedom**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hamermesh, D.S., and G.A. Pfann, eds. (2005). **The Economics of Time Use**. Contributions to Economic Analysis, vol. 271. Amsterdam, San Diego and Oxford: Elsevier.
- Harvey, A. S., & Mukhopadhyay, A. K. (2007). When twenty-four hours is not enough: Time poverty of working parents. **Social indicators research**, 82, 57-77.

- Jacobs, J. A., & Gerson, K. (2001). Overworked individuals or overworked families? Explaining trends in work, leisure, and family time. **Work and occupations**, 28(1), 40-63.
- Johnsson-Latham, G. (2004). Power and Privileges: Gender Discrimination and Poverty. Stockholm: **The Ministry for Foreign Affairs**, Sweden.
- Kalenkoski, C. M., Hamrick, K. S., & Andrews, M. (2011). Time poverty thresholds and rates for the US population. **Social Indicators Research**, 104, 129-155.
- Kim, K., Masterson, T., & Zacharias, A. (2014). **Time deficits and hidden poverty in Korea** (No. op_45). Levy Economics Institute.
- Kızıllırmak, B., & Memiş, E. (2009). The unequal burden of poverty on time use. **The Levy Economics Institute Working Paper**, 572.
- Klasen, S., & Günther, I. (2006). **Amartya Sen: Perspectives on the Economic and Human Development of India and China**. Universitätsverlag Göttingen.
- Lamichhane, B., & Dhakal, C. S. (2020). Gender-Based Measurement of Time Poverty and Assessment of Its Determinants in the Context of an Increasing Number of Female-Headed Households in Nepal. **IOSR Journal of Agriculture and Veterinary Science (IOSR-JAVS)**, 13(10), 26-32.
- Lawson, D. (2007). **A Gendered Analysis of `Time Poverty` - The Importance of Infrastructure**. Economics Series Working Papers GPRG-WPS-078, University of Oxford, Department of Economics.
- Lingren, H. G., & Decker, J. (1992). **The sandwich generation: A cluttered nest**. Cooperative Extension, Institute of Agriculture and Natural Resources, University of Nebraska-Lincoln.
- Najam-us-Saqib, & Arif, G. M. (2012). Time poverty, work status and gender: The case of Pakistan. **The Pakistan Development Review**, 23-46.
- Newman, C. (2002). Gender, time use, and change: The impact of the cut flower industry in Ecuador. **the world bank economic review**, 16(3), 375-395.
- Noh, H., & Kim, K. S. (2015). Revisiting the 'feminisation of poverty' in Korea: focused on time use and time poverty. **Asia Pacific Journal of Social Work and Development**, 25(2), 96-110.
- Nyanzu, F. (2017). **Concepts, determinants and household consumption of time poverty: Evidence from Ghana**. Available at SSRN 2947134.
- Olawuyi, S. O., Adesiyani, O. I., Olawuyi, T. D., & Oyeleye, A. O. (2022). Gender Differentials of Time-Use Poverty and Sustainable Use of Time Resources by Farmers in South-West Nigeria. **Journal of the Austrian Society of Agricultural Economics**, 18 (6): 1126-1113.
- Poortman, A. R. (2005). How work affects divorce: The mediating role of financial and time pressures. **Journal of Family Issues**, 26(2), 168-195.
- Qi, L., & Dong, X. Y. (2018). Gender, low-paid status, and time poverty in urban China. **Feminist Economics**, 24(2), 171-193.

- Ranatunga, R. M. C. L. K., & Dunusinghe, P. M. (2021). Nature of Time Poverty in Sri Lanka. **Economic Research**, 9, (1), 51-69.
- Ribeiro, L. L., & Marinho, E. (2012). Time poverty in Brazil: measurement and analysis of its determinants. **Estudos Econômicos** (São Paulo), 42, 285-306.
- Robeyns, I. (2005), "Selecting capabilities for quality of life measurement", **Social Indicators Research**, vol. 74, No. 1, Springer.
- Rodgers, Y. V. D. M. (2023). Time poverty: conceptualization, gender differences, and policy solutions. **Social Philosophy and Policy**, 40(1), 79-102.
- Rose, J. (2016). "Never enough hours in the day": Employed mothers' perceptions of time pressure. **Australian Social Policy Association**, 52, 116-130. Retrieved from <https://onlinelibrary.wiley.com/doi/epdf/10.1002/ajs4.2>
- Sayer, L. C. (2005). Gender, time and inequality: Trends in women's and men's paid work, unpaid work and free time. **Social forces**, 84(1), 285-303.
- Sen, A. (1999). **Development As Freedom**. Oxford university Press.
- Torabi, F., Saravani, K., Khodaparast, F. S., & Kheradmand-Saadi, H. (2025). The Prevalence and Intensity of Time Poverty in Urban Areas of Iran. **Social Indicators Research**, 1-20.
- Vega-Rapun, M., Domínguez-Serrano, M., & Gálvez-Muñoz, L. (2021). The multidimensionality of poverty: Time poverty in Spain. **Journal of Time Use Research**, 15(1).
- Vickery, C. (1977). The time-poor: A new look at poverty. **Journal of Human Resources**, 12(1), 27-48.
- Williams, J. R., Masuda, Y. J., & Tallis, H. (2016). A measure whose time has come: Formalizing time poverty. **Social Indicators Research**, 128, 265-283.
- World Bank (2023). **World Bank Indicators**. Available at <https://data.worldbank.org/indicator>.
- Zacharias, A., Antonopoulos, R., & Masterson, T. (2012). **Why Time Deficits Matter: Implications for the Measurement of Poverty**. Research Project Report. Annandale-on-Hudson, NY: Levy Economics Institute of Bard College. Retrieved from <http://www.levyinstitute.org/publications/?docid=1566>.
- Zacharias, A., Masterson, T., & Memiş, E. (2014a). Time deficits and poverty: the levy institute measure of time and consumption poverty for Turkey. **Ekonomik Yaklaşım**, 25(91), 1-28.
- Zacharias, A., Masterson, T., & Kim, K. (2014b). The measurement of time and income poverty in Korea. **Levy Economics Institute of Bard College/Korea Employment Information Service**.
- Zhang, J., Timmermans, H. J., & Borgers, A. (2005). A model of household task allocation and time use. **Transportation Research Part B: Methodological**, 39(1), 81-95.
- Zilanawala, A. (2016). Women's time poverty and family structure: Differences by parenthood and employment. **Journal of Family Issues**, 37(3), 369-392.